

کتاب میکاهِ نبی

مقدمه

میکاهِ نبی هم دوره اشعیای نبی و از اهالی دهکده‌ای در سرزمین یهودا، یعنی سلطنت جنوبی اسرائیل بود. او این کتاب را چند سال پیش از سقوط حکومت شمالی اسرائیل که در ۷۲۲ قبل از میلاد واقع شد، نوشته است.

میکاهِ نبی می‌دانست که یهودا هم به آن مصیبتی که بر سلطنت شمالی اسرائیل آمد و عاموس نبی آن را پیشگویی نموده بود، گرفتار خواهد شد. میکاهِ نبی اعلان کرد که خدا مردم یهودا را نیز به خاطر گناه بُت‌پرستی و بی‌عدالتی‌شان مجازات خواهد کرد. اما با وجود این پیشگویی ناامیدکننده، میکاهِ نبی پیام یک آینده روشن و امیدبخش را نیز خبر می‌دهد. در شروع فصل چهارم، میکاهِ نبی تصویری از صلح و آرامش جهانی را که تحت رهبری خداوند، پادشاه حقیقی برقرار خواهد شد، بیان می‌کند. میکاهِ نبی ظهور یک پادشاه بزرگ از نسل داوود را پیشگویی می‌کند که نقشه نجات بشر را طرح نموده و آن را عملی می‌سازد. میکاهِ نبی محل دقیق تولد این پادشاه بزرگ، یعنی مسیح موعود را، پیشگویی می‌کند.

میکاهِ نبی هدف خود را خلاصه کرده می‌گوید: «خداوند به ما گفته است که نیکویی چیست و چیزی که از ما می‌خواهد این است که انصاف، رحم و محبت داشته باشیم و با فروتنی در حضور خداوند، خدای خود زندگی کنیم.» (۶:۸)

فهرست موضوعات

داوری اسرائیل و یهودا: فصل ۱ - ۳

برقراری مجدد صلح: فصل ۴ - ۵

۱ در دوران سلطنت یوتام، آحاز و حزقیاء، پادشاهان یهودا، خداوند این پیام را دربارهٔ سامره و اورشلیم در یک رؤیا به میکاه نبی که از شهر مورثیت بود، داد:

شهادت بر ضد سامره و اورشلیم

۲ ای همهٔ قومهای جهان، بشنوید!

و ای ساکنان روی زمین، گوش فرا دهید!

خداوند متعال از جایگاه مقدس آسمانی خود

بر ضد شما شهادت می دهد.

۳ خداوند از بارگاه مقدس خود بیرون می آید

و نزول کرده، با قدرت بر فراز کوهها قدم می گذارد.

۴ کوهها در زیر قدمهایش آب می شوند

و درهها از هم جدا می گردند،

مانند موم در برابر آتش

و همچون آبی که به درهها سرازیر می گردد.

۵ همهٔ این وقایع به خاطر نافرمانی و گناه قوم اسرائیل رخ می دهند. علت نافرمانی مردم اسرائیل

چیست؟ رهبران‌شان که در شهر سامره هستند. علت گناه بُت‌پرستی مردم یهودا کیست؟

رهبران‌شان که در شهر اورشلیم هستند.^۶ خداوند می‌فرماید: «پس من سامره را به یک توده‌ای از خاک و به یک جایی که در آن تاکهای انگور را می‌نشانند، تبدیل می‌کنم. سنگ و گل آن را به دره می‌ریزم تا تهدابش نمایان شود.^۷ تمام بُتهایش ذره‌ذره می‌شوند و همه چیزهایی که با مزد فاحشه‌های بتخانه به‌دست آمده‌اند، در آتش می‌سوزند. دشمنان هدیه‌های بُت‌پرستان را تاراج کرده آنها را در جای دیگر برای مزد فاحشه‌ها به کار می‌برند.»

گریه و ماتم برای اورشلیم

^۸ سپس میکاه نبی گفت: «من گریه می‌کنم و ماتم می‌گیرم. از این خاطر با پای لُج و بدن برهنه راه می‌روم و همچون شغالها از غم قوله می‌کشم و مانند شترمرغها نوحه می‌کنم،^۹ زیرا زخم مردم سامره علاج ناپذیر است و مردم یهودا هم به زودی به این بلا دچار می‌شوند. نابودی و ویرانی به دروازه‌های اورشلیم، یعنی مسکن قوم برگزیده من رسیده است.»

^{۱۰} پس میکاه نبی به مردم یهودا گفت: «این خبر را به دشمنان ما در شهر جت نرسانید. نگذارید که کسی صدای گریه شما را بشنود. ای ساکنان شهر بیت‌عُفره، از فرط غم و شرمندگی در خاک بغلطید.^{۱۱} ساکنان شهر شافیر، برهنه و سرافکنده تبعید می‌شوند. مردم شهر صعنان جرأت نمی‌کنند که از محل سکونت‌شان خارج شوند. وقتی صدای گریه و ماتم از شهر بیت‌ایزل به گوش‌تان برسد، بدانید که آنجا خالی از خطر دشمن نیست.^{۱۲} ساکنان شهر ماروت در آرزوی رسیدن روزهای بهتری هستند، زیرا خداوند مصیبت را به نزدیک دروازه‌های اورشلیم آورده است.^{۱۳} ای ساکنان شهر لاکیش، اسپها را به گادی‌های جنگی ببندید و فرار کنید، زیرا شما اولتر از همه، از گناهان مردم اسرائیل پیروی کردید و سبب شدید که مردم اورشلیم به راه گناه بروند.^{۱۴} حالا ای مردم یهودا، با شهر مورِشِت جت خداحافظی کنید زیرا امیدی برای نجات آن نیست و برای پادشاهان اسرائیل از شهر اکزیب کمکی نمی‌رسد.^{۱۵} ای مردم مریشه، خداوند شما را به‌دست دشمنان‌تان تسلیم می‌کند. آنها شهر شما را تصرف می‌کنند و رهبران اسرائیل به مغاره

عدولام پناه می‌برند.^{۱۶} ای مردم یهودا، در غم فرزندان محبوب‌تان نوحه کنید. از غصه سرهای‌تان را مانند کلمرغ بتراشید، زیرا دشمنان شما فرزندان‌تان را به کشورهای دور به اسارت می‌برند.»

سرنوشت کسانی که در حق فقیران ظلم می‌کنند

۲^۱ وای بر شما که نقشه‌های پلید می‌کشید، شب بر بسترهای خود در مورد کارهای شیرانه فکر می‌کنید و وقتی که صبح می‌شود، آنها را عملی می‌سازید زیرا قدرت انجام دادن آن را دارید.^۲ به زمین و خانهٔ مردم طمع می‌ورزید و آنها را از ایشان به زور می‌گیرید. مال و خانهٔ هیچ‌کسی از دست شما در امان نیست.

۳^۳ بنابراین خداوند می‌فرماید: «من تصمیم گرفته‌ام بر سر شما چنان بلایی را نازل کنم که نتوانید از آن فرار کنید. به روزگار بد گرفتار می‌شوید و دیگر با غرور قدم بر نمی‌دارید.^۴ در آن روز، دشمن بر شما طعنه خواهند زد و با تمسخر در مورد شما نوحه‌سرایي نموده، خواهند گفت:

ما کاملاً تباه شدیم،

زیرا خداوند سرزمین ما را از ما گرفت

و بین مردمی تقسیم کرد

که ما را به اسارت بُردند.»

۵^۵ پس زمانی که خداوند سرزمین را به قوم برگزیدهٔ خود بازگرداند، شما از آن سهمی نمی‌گیرید.

۶^۶ اما مردم به من می‌گویند: «برای ما موعظه نکن و این حرفها را به زبان نیاور. خدا نمی‌خواهد

که ما خوار و رسوا شویم.

^۷ ای خاندان یعقوب، آیا می‌دانید که مورد نفرین خداوند قرار گرفته‌اید؟ آیا فکر می‌کنید که صبر او تمام شده است؟ آیا او واقعاً با شما چنین رفتار می‌کند؟ آیا کلام او به کسانی که اعمال و کردار نیک داشته باشند، نیکو نیست؟»

^۸ خداوند می‌فرماید: «اما شما بر ضد قوم برگزیده من برخاسته و دشمن آنها شده‌اید. مردانی که از میدان جنگ برمی‌گردند، به این امید می‌باشند که در وطن خود در امان خواهند بود اما شما لباس‌شان را می‌دزدید و آنها را برهنه می‌کنید. ^۹ زنان قوم برگزیده مرا از خانه‌های دلپذیرشان بیرون می‌رانید و کودکان آنها را از حق و برکتهایی که من به آنها داده‌ام، برای همیشه محروم می‌کنید. ^{۱۰} برخیزید و بروید! دیگر در اینجا در امان نخواهید بود، زیرا به خاطر گناهان شما اینجا محکوم به فنا شده است.

^{۱۱} اگر شخص دروغگو و فریبکاری بیاید و با شما درباره لذت شراب و باده‌نوشی حرف بزند، فوراً او را به پیامبری می‌پذیرید.»

وعدۀ نجات برای نسل یعقوب یعنی اسرائیل

^{۱۲} خداوند می‌فرماید: «ای اسرائیل، من تمام خاندان و بازمانده‌گان تو را جمع کرده و مانند گوسفندها در طویله برمی‌گردانم. جمعیت آنها افزایش می‌یابد و شور و غوغای‌شان دشت و دمن را پر می‌کند. ^{۱۳} راه را برای‌شان باز می‌کنم. آنها را از اسارت نجات داده به سرزمین خودشان هدایت می‌نمایم و من، خداوند، پادشاه و پیشوای آنها می‌شوم.»

میکاه نی رهبران اسرائیل را سرزنش می‌کند

۳ ای بزرگان خاندان یعقوب، یعنی ای رهبران اسرائیل، بشنوید! شما باید عدالت را به جا آورید،^۲ اما برعکس، شما از خوبی نفرت داشته و بدی را دوست دارید. قوم مرا زنده پوست می کنید و گوشتی بر استخوان آنها باقی نمی گذارید.^۳ گوشت آنها را می خورید، پوست آنها را از بدن شان جدا کرده، استخوانهای شان را مانند گوشت تکه تکه می کنید و در دیگ می اندازید.^۴ آنگاه به حضور خداوند دعا و زاری می کنید، ولی او دعای شما را نمی شنود و به خاطر اعمال و کردار زشتتان، روی خود را از شما می پوشاند.

۵ خداوند می فرماید: «ای انبیای جعلی، شما قوم برگزیده مرا گمراه کرده اید. کسی که به شما پول می دهد، برایش دعای خیر می کنید و کسی را که پول نمی دهد، تهدید می نمایید.»^۶ روز روشن شما به پایان رسیده است و آفتاب بر شما نخواهد تابید تا دیگر رؤیایی نبینید و پیشگویی نکنید.^۷ فالبینان و آنهایی که آینده را پیشگویی می کنند، شرمنده و رسوا می شوند و از خجالت روی خود را می پوشانند.»

۸ اما من سرشار از قدرت روح خداوند هستم و با جرأت می توانم یعقوب را به نافرمانی او و قوم اسرائیل را به گناهان شان متوجه سازم.

۹ پس ای بزرگان خاندان یعقوب! ای رهبران قوم اسرائیل که از عدالت نفرت داشته و راستی را گناه جلوه می دهید، به حرف من گوش بدهید!^{۱۰} شما صهیون را به خون و اورشلیم را بر ظلم و بی عدالتی بنا کرده اید.^{۱۱} حاکمان شما رشوت می خورند، کاهنان تان تا مزد نگیرند، تعلیم نمی دهند و انبیای شما هم به رایگان نبوت نمی کنند. ولی با این حال می گوئید که چون خداوند با ما است، هیچ ضرری به ما نمی رسد.

۱۲ پس به خاطر شما، کوه صهیون مانند کشتزاری قلبه شده و شهر اورشلیم به یک ویرانه تبدیل می گردد. آن کوهی که خانه خداوند بر آن قرار داشت، به یک جای پُر از خار و خس تبدیل می گردد.

صلح ابدی تحت ملکوت خداوند

(همچنان در اشعیا ۲: ۲-۴)

^۱ ۴ در زمان آخر، کوهی که خانه خداوند بر آن بنا یافته است، بلندترین کوه دنیا و بالاتر از همه تپه‌ها می‌شود و ملت‌های زیادی به آنجا می‌آیند^۲ و می‌گویند: «بیاید به کوه خداوند یعنی خانه‌خداوند یعقوب برویم. خداوند به ما راهی را که انتخاب کرده است، نشان می‌دهد تا مطابق آن رفتار کنیم، زیرا شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر می‌شود.»

^۳ خداوند در میان قوم‌های جهان داوری می‌کند و اختلافات ملت‌های بزرگ را در دور و نزدیک حل و فصل می‌نماید. مردم از شمشیرهای خود قلبه و از نیزه‌های خود داس می‌سازند. قومی به روی قوم دیگری شمشیر نمی‌کشد و به جنگ و خونریزی خاتمه داده می‌شود.^۴ هرکس در تاجکستان و در زیر سایه درخت انجیر خود، بدون ترس در صلح و آرامش زندگی می‌کند. این وعده را خداوند قادر مطلق داده است.

^۵ قوم‌های جهان به عبادت خدایان خود می‌پردازند و از آنها پیروی می‌کنند، ولی ما برای همیشه خداوند، خدای خود را عبادت می‌کنیم و پیرو احکام و هدایت‌های او می‌باشیم.

بازگشت قوم اسرائیل به وطن

^۶ خداوند می‌فرماید: «در آن روز مردمان لنگ و غمدیده را که از دیارشان رانده شده و جزا دیده بودند، جمع می‌کنم.^۷ از اشخاص لنگ و بازمانده‌گان قوم که در تبعید به سر می‌برند، یک قوم نیرومند می‌سازم. من در کوه صهیون، از آن روز تا به ابد، بر آنها سلطنت می‌کنم.»

^۸ ای تپه شهر اورشلیم، تو مانند برج دیده‌بانی خداوند هستی. او از بالای تو مراقب قوم برگزیده خود است و تو را مانند زمان سابق، پایتخت سلطنت مقتدری می‌سازد.^۹ چرا فریاد می‌زنی؟ چرا مانند زنی که در حال زایمان باشد، درد می‌کشی؟ آیا به خاطر این است که پادشاه نداری و

مشاورین تو همه مُرده‌اند؟^{۱۰} ای مردم اورشلیم، مانند زنی که می‌زاید، از درد به خود بیچید و ناله کنید، زیرا شما باید از این شهر بیرون بروید و در صحرا زندگی کنید. شما به قلمرو بابل بُرده می‌شوید اما در آنجا خداوند به دادتان می‌رسد و شما را از دست دشمنان نجات می‌دهد.

^{۱۱} قومهای زیادی بر ضد تو با هم متحد شده‌اند و می‌گویند: «صهیون باید نابود شود! ما این شهر را خراب می‌کنیم!»^{۱۲} اما آنها از ارادهٔ خداوند آگاه نیستند و نمی‌دانند که خداوند آنها را مانند خوشه‌های گندم برای کوبیدن در خرمنگاه جمع می‌کند.

^{۱۳} خداوند می‌فرماید: «ای مردم اورشلیم، برخیزید و دشمنان‌تان را به زیر قدمهای‌تان پایمال کنید. من به شما قدرت و نیرو می‌بخشم و مانند گاو نر شاخهای آهنین و سُمهای برنجی عطا می‌کنم تا قومهای زیادی را شکست بدهید. اموالی را که به زور و جبر به‌دست آورده‌اند، از آنها بگیری و به من، خداوند که مالک تمام جهان هستم، تقدیم کنید.»

۵ ای مردم اورشلیم، لشکرهای خود را جمع کنید و آماده شوید، زیرا شهرتان محاصره شده است! دشمنان بر رهبر اسرائیل حمله می‌کنند.

وَعْدَةُ ظَهْوَرِ يَك رَهْبِرِ اَز بَيْتِ لَحِمِ

^۲ خداوند می‌فرماید «ای بَيْتِ لَحِمِ اِفْرَاثَه، اگرچه تو یکی از کوچکترین شهرهای یهودا هستی، با اینهم از تو رهبری ظهور می‌کند که از ازل وجود داشته است و بر قوم اسرائیل سلطنت می‌کند.»

^۳ خداوند قوم برگزیدهٔ خود را تا زمانی که زن حامله پسر خود را به دنیا بیاورد، به‌دست دشمن تسلیم می‌کند. آنگاه بقیهٔ مردمی که در تبعید به سر می‌برند، به وطن خود برمی‌گردند و با سایر قوم اسرائیل یکجا می‌شوند.^۴ وقتی آن رهبر بیاید، با قدرت و جلال خداوند، خدای خود، مردم خود را رهبری می‌کند. قوم برگزیدهٔ او در آرامش و امنیت به سر می‌برند، زیرا مردم سراسر روی زمین از بزرگی و عظمت او آگاه می‌شوند^۵ او صلح و سلامتی را به جهان می‌آورد.

وقتی مردم آشور به کشور ما حمله کنند و استحکامات دفاعی ما را درهم شکنند، ما تمام رهبران شجاع و نیرومند خود را به مقابله آنها می‌فرستیم.^۶ آنها با زور شمشیر، آشور یعنی کشور نمرود را فتح می‌کنند. اگر آشوریان به سرزمین ما حمله کنند، آنگاه آن رهبر ما را از دست آنها نجات می‌دهد.

^۷ آنگاه بازمانده‌گان قوم اسرائیل که در بین قومهای دیگر زندگی می‌کنند، برای آنها مانند شبنم و باران از جانب خداوند برکت می‌آورند. آنها به خداوند توکل می‌کنند، نه به انسان.^۸ بازمانده‌گان اسرائیل در بین قومهای دیگر مانند شیر در میان حیوانات جنگل و رمه‌های گوسفند می‌باشند که هنگام عبور همه را پایمال می‌کنند و می‌درزند و کسی نمی‌تواند آنها را نجات بدهد.^۹ قوم اسرائیل بر دشمنان غالب می‌شود و همه آنها را از بین می‌برد.

خداوند اسرائیل را تأدیب می‌کند

^{۱۰} خداوند به مردم اسرائیل می‌فرماید: «در آن روز تمام اسپها و گادی‌های جنگی شما را نابود می‌سازم.^{۱۱} همه شهرهای سرزمین‌تان را با قلعه‌های‌شان خراب می‌کنم.^{۱۲} جادوگری را در میان شما از بین می‌برم و به زندگی فالگیران خاتمه می‌دهم.^{۱۳} بتها و ستونهای مذهبی شما را می‌شکنم تا دیگر چیزهای ساخته دست خود را سجده و پرستش نکنید.^{۱۴} مجسمه‌های بت‌اشیره را شکستانده و شهرهای‌تان را ویران می‌کنم.^{۱۵} من با خشم و غضب خود از آن قومهایی که از من اطاعت نمی‌کنند، انتقام می‌گیرم.»

شکایت خداوند بر ضد اسرائیل

^{۱۶} به آنچه که خداوند می‌فرماید، گوش بدهید:

برخیزید، دعوی خود را بر کوه‌ها بیان کنید و بگذارید که تپه‌ها کلام شما را بشنوند.

۲ حال به دعوی خداوند گوش دهید! ای کوه‌ها، ای بنیادهای جاویدانی زمین، خداوند از قوم برگزیده خود شکایت دارد و اسرائیل را متهم می‌سازد.

۳ خداوند می‌فرماید: «ای قوم برگزیده من، من به شما چه کرده‌ام؟ چه باری را بر شما تحمیل کرده‌ام؟ جواب بدهید!»^۴ من شما را از مصر بیرون آوردم و از بند غلامی و اسارت آزاد کردم. موسی، هارون و مریم را فرستادم تا شما را راهنمایی کنند.^۵ ای قوم برگزیده من، به یاد آورید که بالاق، پادشاه موآب چه نقشه‌ای برای نابودی شما داشت و بلعام، پسر بعور به او چه جواب داد و از شیطیم تا شهر جلجال چه اتفاق افتاد. اینها را به خاطر بیاورید تا بدانید که من برای نجات و سلامتی شما چه کارهایی کرده‌ام.»

خواست خداوند از ما انصاف، رحم و محبت است

۶ با چه چیزی به حضور خداوند متعال بیایم و او را سجده کنم؟^۷ اگر بهترین گوساله یک ساله را جهت قربانی سوختنی بیاورم، آیا خداوند از من خوشنود می‌شود؟ اگر هزاران قوچ و ده‌ها هزار نهر لبریز از روغن زیتون را هدیه کنم، آیا خداوند از من راضی می‌شود؟ اگر فرزند اول خود را برای کفاره گناه خود قربانی کنم، آیا گناه مرا می‌بخشد؟ نخیر! چنین نیست.^۸ زیرا خداوند به ما گفته است که نیکویی چیست. آنچه او از ما می‌خواهد این است که انصاف، رحم و محبت داشته باشیم و با فروتنی در حضور خداوند، خدای خود زندگی کنیم.

خداوند به شریران هشدار می‌دهد

۹ به آواز خداوند که در شهر ندا می‌دهد، گوش بدهید. شخص عاقل کسی است که به نام خداوند احترام داشته باشد. خداوند می‌فرماید: «ای مردمی که در شهر جمع شده‌اید، بشنوید!»^{۱۰} خانه‌های گناهکاران پُر از اموالی است که از راه دزدی و با ترازوهای تقلبی به دست آمده‌اند.^{۱۱} پس چطور می‌توانم این اشخاص را که از سنگ و ترازوی تقلبی کار می‌گیرند، ببخشم؟

^{۱۲} ثروتمندان شما به مردم ظلم می کنند، مردم شما دروغ می گویند و حرف راست از زبان شان شنیده نمی شود. ^{۱۳} بنابراین به خاطر گناهان تان، تصمیم گرفته ام که شما را با ضربه شدید مجروح ساخته و نابود کنم. ^{۱۴} هر قدر بخورید، سیر نمی شوید و همیشه از گرسنه گی رنج می برید. مال و ثروت ذخیره می کنید اما همه را از دست می دهید، زیرا آنچه را که جمع کرده اید، در جنگ از بین می برم. ^{۱۵} خواهید کاشت، ولی درو نخواهید کرد. از زیتون روغن خواهید کشید، اما خودتان از آن استفاده نخواهید کرد. از انگور شراب خواهید ساخت، مگر از آن نخواهید نوشید، ^{۱۶} زیرا شما از اعمال پلید عمری پادشاه و پسرش اخاب پیروی می کنید. مشوره و کارهای آنها را سرمشق خود قرار می دهید. پس من شما را از بین می برم تا مورد تحقیر مردم جهان قرار گیرید و خوار و رسوا شوید.»

فساد اخلاقی قوم اسرائیل

۷ ^۱ وای به حال من! زیرا به شخص گرسنه ای می مانم که وقتی میوه تابستانی چیده می شود، بر درختها میوه ای و بر تاکها انگوری نمی یابد و هیچ انجیری برای رفع گرسنه گی خود پیدا نمی کند. ^۲ مردم نیک از روی زمین نابود شده اند و هیچ شخص خداشناسی در بین مردم دیده نمی شود. همه برای ریختن خون برادران خود در کمین نشسته و برای کشتن یکدیگر دام گسترده اند. ^۳ دستهای شان برای شرارت و جنایت مهارت دارد. حاکم و قاضی هر دو رشوت می گیرند. اشخاص بزرگ و با نفوذ به آنها می گویند که چه میل دارند و چه می خواهند و آنها هم برای نفع ایشان نقشه می کشند. ^۴ بهترین افرادشان مانند خار هستند و حتی اشخاص نیک آنها بدتر از خس و خار می باشند.

همان طور که انبیا هشدار داده بودند، روز مجازات آنها فرارسیده است و همه مضطرب و پریشان می شوند. ^۵ به همسایه و دوست خود اعتماد نکن، حتی به همسرت اعتماد نکن و متوجه حرف دهانت باش. ^۶ در این روزگار پسر، پدر خود را توهین می کند. دختر مخالف مادر است و

عروس با خشوی خود جنگ و دعوا می کند. اهل خانهٔ یک شخص، دشمن او می باشند.

^۷ اما چشم امید من به سوی خداوند است و با اعتماد کامل منتظرم تا خدا مرا نجات بدهد. خدای من دعای مرا قبول می کند.

خداوند قوم اسرائیل را نجات می دهد

^۸ ای دشمنان ما بر روزگار بد ما خوشی نکنید، زیرا اگرچه بیفتیم، دوباره برمی خیزیم. هرگاه در تاریکی باشیم، خداوند، خودش نور و روشنی ما می شود. ^۹ ما در برابر خداوند گناه کرده ایم، بنابراین باید برای مدتی قهر و غضب او را متحمل شویم اما بالاخره در برابر دشمنان از ما حمایت می کند و آنها را به خاطر بدی هایی که در حق ما کرده اند، مجازات می کند. او ما را از تاریکی به روشنی هدایت می نماید و ما کار نجات بخش او را مشاهده می کنیم. ^{۱۰} آنگاه دشمنانی که از روی طعنه به ما می گفتند: «خداوند، خدای شما کجاست؟» چون می بینند که خداوند حامی ماست، شرمنده و سرافکننده می شوند و با چشمان خود خواهیم دید که آنها مانند گل کوچه پایمال می گردند.

^{۱۱} ای اسرائیل، روزی فرامی رسد که دیوارهای شهرهای دوباره آباد می شوند و مرزهای تا به نقاط دور توسعه می یابند. ^{۱۲} در آن روز مردم تو از آشور و مصر، از نواحی دریای فرات، از سواحل بحرها و کوهستان های دوردست پیش تو برمی گردند، ^{۱۳} اما سایر کشورهای روی زمین به خاطر گناهان ساکنان شان ویران می شوند.

دعا برای رحمت خداوند بر اسرائیل

^{۱۴} ای خداوند، بیا و چوپان و رهبر قوم برگزیده ات باش و آنها را که همچون گوسفندها در جنگلها تنها مانده اند، مانند دوران گذشته به چراگاه های سرسبز باشان و جلعاد هدایت فرما.

^{۱۵} خداوند می‌فرماید: «مانند زمانی که شما را از کشور مصر بیرون آوردم، برای شما معجزه‌های بزرگ نشان می‌دهم. ^{۱۶} قومهای دیگر کارهای مرا می‌بینند و با وجود تمام قدرتی که دارند، شرمنده می‌شوند. آنها از ترس دست بر دهان خویش گذاشته و گوشهایشان کر می‌گردند. ^{۱۷} مانند مار زمین را می‌لیسند و مانند خزنده‌گان از غارهای خود بیرون خزیده با ترس و لرز به سوی من که خداوند، خدای شما هستم، برمی‌گردند.»

^{۱۸} ای خداوند، هیچ خدایی مانند تو نیست. تو گناهان را می‌آمیزی و نافرمانی بازمانده‌گان قوم برگزیده‌ات را می‌بخشی و به‌خاطر رحمت و شفقتی که داری، برای همیشه خشمگین نمی‌مانی. ^{۱۹} دوباره بر ما مهربان می‌شوی. گناهان ما را به زیر قدمهایت پامال می‌کنی و همه آنها را در اعماق بحر می‌افگنی. ^{۲۰} به وعده‌ای که به قوم برگزیده‌ات، یعنی اولاده ابراهیم و یعقوب داده‌ای وفادار بوده و آنها را از محبت پایداری برخوردار می‌سازی.